

An Analysis of the Causes Behind the Radicalization of Social Protests in Iran (A Study of Structural Factors through Craig Parsons' Theoretical Framework)*



Hamed Shahmaleki ¹ Parviz Amini ² Javad Heydari ³

1. PhD Candidate, Department of Political Science and Islamic Revolution Studies, Shahed University, Tehran, Iran.
shahmaleky554@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Political Science and Islamic Revolution Studies, Shahed University, Tehran, Iran (Corresponding Author).
amini1300@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Political Science and Islamic Revolution Studies, Shahed University, Tehran, Iran.
j.heydari@shahed.ac.ir

Abstract

Since the second half of the 2010s, social protests in Iran have increasingly become radicalized. These protests are characterized by features such as their emergence in public streets, the intensification and expansion of violence, and the subversiveness of slogans and demands—all of which point to deep and fundamental shifts in the process of public demands. This study aims to provide a comprehensive analysis of the factors contributing to the radicalization of social protests in Iran, with a focus on structural causes. The main research question is: What are the main factors behind the radicalization of social protests in Iran? To address this, the study

* Shahmaleki, H., Amini, P. & Heydari, J. (2024). An Analysis of the Causes Behind the Radicalization of Social Protests in Iran (A Study of Structural Factors through Craig Parsons' Theoretical Framework). *Journal of Political Science*, 27(108), pp. 181-221. <https://doi.org/10.22081/psq.2025.70840.2943>

□ **Publisher:** Baqir al-Olum University, Qom Iran.

* **Type of article:** Research Article

□ **Received:** 2024/09/27 • **Revised:** 2024/10/19 • **Accepted:** 2024/10/28 • **Published online:** 2024/12/25

© The Authors



employs Craig Parsons' theoretical framework, which emphasizes a multifaceted analysis and the interaction of structural, institutional, psychological, and attitudinal factors in interpreting political and social phenomena. This article adopts a qualitative methodology using thematic analysis. In this approach, key themes and influential structural factors contributing to the radicalization of protests in Iran were extracted through the analysis of expert interviews and relevant academic literature. The study's findings identify eleven major structural components at the macro level, which can be summarized as follows: crises of transitional societies, signs of an emerging state-nation divide, structural economic problems, generational shifts and the influence of Generation Z, the accumulation of social cleavages, structural transformation of the public sphere, political structures and the failure of reform processes, environmental and infrastructural crises, and Iran's regional position and international stance. These structural factors, interacting with institutional, psychological, and attitudinal elements, have created the groundwork for the emergence and intensification of radical protests in Iran. Overcoming this situation requires reforming political and economic structures, strengthening public political and social participation, managing generational and cultural transformations, and creating formal and legal channels for expressing dissent.

Keywords

Social protests, dissatisfaction, Craig Parsons' analytical model, Iran.



تحلیلی بر چرایی رادیکال شدن اعتراضات اجتماعی در ایران

(بررسی عوامل ساختاری با نگاهی به چارچوب نظری کریگ پارسونز)*

حامد شاهملکی^۱ id پرویز امینی^۲ id جواد حیدری^۳ id

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

Shahmaleky554@gmail.com

۲. استادیار، گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Amini1300@gmail.com

۳. استادیار، گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

j.heydari@shahed.ac.ir

چکیده

اعتراضات اجتماعی در ایران پس از نیمه دوم دهه نود، به شکلی فزاینده رادیکال شده‌اند و با ویژگی‌هایی همچون، خیابانی شدن اعتراض، افزایش شدت و گستره خشونت‌ها و ساختارشکنی در شعارها و مطالبات شناخته می‌شوند و این امر نشان تغییرهای عمیق و بنیادین در فرایندهای مطالبه‌گری است. این پژوهش با هدف تحلیل جامع عوامل تأثیرگذار بر رادیکال شدن اعتراضات اجتماعی در ایران با تمرکز بر عوامل ساختاری انجام گردیده است. پرسش اصلی پژوهش این است که عوامل اصلی رادیکال شدن اعتراضات اجتماعی در ایران کدامند؟ برای یافتن پاسخ، از چارچوب نظری کریگ پارسونز استفاده شد که تأکید آن بر تحلیل چندوجهی و تعامل عوامل ساختاری، نهادی، روان‌شناختی و نگرشی در تحلیل پدیده‌های سیاسی و اجتماعی است. روش تحقیق در این مقاله، کیفی و از نوع تحلیل مضمون است؛ بدین معنا که

* **استناد به این مقاله:** شاهملکی، حامد؛ امینی، پرویز؛ حیدری، جواد. (۱۴۰۴). تحلیلی بر چرایی رادیکال شدن اعتراضات اجتماعی در ایران (بررسی عوامل ساختاری با نگاهی به چارچوب نظری کریگ پارسونز). علوم سیاسی، ۲۷(۱۰۸)، صص ۱۸۱-۲۲۱.

<https://doi.org/10.22081/psq.2025.70840.2943>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دانشگاه باقرالعلوم (ع)؛ ایران؛ © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۶؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۷/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۷؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۰/۰۵



مضامین اصلی و عوامل کلیدی تأثیرگذار بر رادیکال‌شدن اعتراضات اجتماعی در ایران با تحلیل مصاحبه‌های صاحب‌نظران و مقالات علمی مرتبط با موضوع تحقیق استخراج گردیده است. یافته‌های تحقیق، یازده مؤلفه ساختاری تأثیرگذار در سطح کلان را نشان می‌دهد که به اختصار عبارت‌اند از: بحران‌های جوامع در حال گذار؛ ظهور نشانه‌هایی از بروز شکاف دولت-ملت؛ مشکلات ساختاری اقتصاد، تحولات نسلی و تأثیرگذاری نسل زد؛ تراکم شکاف‌های اجتماعی؛ دگرگونی ساختاری حوزه عمومی؛ ساختار سیاسی و ناکامی فرایندهای اصلاحی؛ بحران‌های زیست‌محیطی و زیرساختی و موقعیت منطقه‌ای و موضع بین‌المللی ایران. این عوامل در تعامل با عوامل نهادی، روان‌شناختی و نگرشی، بستر شکل‌گیری و تشدید اعتراضات رادیکال در ایران را فراهم کرده‌اند. لازمه عبور از این وضعیت، اصلاح ساختارهای سیاسی و اقتصادی، تقویت مشارکت اجتماعی و سیاسی مردم، مدیریت تحولات نسلی و فرهنگی و ایجاد بسترهای قانونی و رسمی برای بیان اعتراضات است.

کلیدواژه‌ها

اعتراضات اجتماعی، نارضایتی، مدل تحلیلی کریگ پارسونز، ایران.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

اعتراضات اجتماعی در ایران، پس از نیمه دوم دهه ۱۳۹۰، دستخوش تغییرهای بنیادینی در ماهیت، تاکتیک‌ها و شیوه‌های ظهور و بروز خود شده‌اند؛ تغییرهایی که می‌توان آنها را نشانه‌ای از رادیکال‌شدن این اعتراضات تعبیر کرد. ویژگی‌های برجسته اعتراضات در این دوره، افزایش شدت و گستره خشونت، کوتاه‌تر شدن فاصله زمانی میان اعتراضات و بی‌اعتمادی گسترده به مسیرهای رسمی برای پیگیری مطالبات است. این اعتراضات غالباً خودجوش، فاقد سازماندهی قبلی و رهبری مشخص بوده و معترضان به جای بهره‌گیری از نهادهای مدنی و صنفی، به طور مستقیم از طریق اعتراضات خیابانی وارد عمل شده‌اند (سردارنیا و البرزی، ۱۴۰۲، ص. ۲۲؛ سردارنیا، ۱۴۰۱، ص. ۱۱). این امر نشان‌دهنده تغییرهای بنیادین در فرایندهای مطالبه‌گری است و می‌توان این تغییر را نقطه‌عطفی در تاریخ اعتراضات اجتماعی ایران در نظر گرفت که تحلیل دقیق آن نیازمند درکی جامع از عوامل محرک و زمینه‌ساز آن است.

به بیان دیگر مطالعه سیر تحول این اعتراضات نشان می‌دهد که از ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۱، بر شدت و گستره اجتماعی اعتراضات در ایران افزوده شده، اما از انسجام معنایی آنها کاسته شده است. این اعتراضات کمتر ماهیت گفتمانی، سیاسی، طبقاتی یا صنفی مشخص دارند و رهبری مشخص، خواسته‌های شفاف یا دورنمای معینی ندارند. در عین حال ساختار اعتراضات و تنوع مشارکت‌کنندگان بسیار متکثر و سیال بوده است؛ درحالی که اعتراضات سال ۱۳۸۸ دارای مطالبات مشخص، رهبری شناخته‌شده و پایگاه حزبی و طبقاتی معینی بودند. این تغییرها بیانگر آن است که اعتراضات اجتماعی در ایران پس از نیمه دوم دهه ۱۳۹۰، به سمت رادیکال‌شدن گرایش پیدا کرده‌اند (مهدی‌زاده، ۱۴۰۱).

برای تحلیل چرایی این روند، رویکردی جامع لازم است که عوامل مختلف تأثیرگذار را در کنار یکدیگر بررسی کند. چارچوب نظری کریگ پارسونز^۱ با تأکید بر

1. Craig Parsons.

تأثیرات عوامل ساختاری، نهادی، نگرشی و روان‌شناختی، ابزار تحلیلی مناسبی برای مطالعه این پدیده فراهم آورده است. این مقاله با تمرکز ویژه بر عوامل ساختاری، شامل متغیرهای کلان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی که بستر نارضایتی‌های عمومی را فراهم می‌کنند، تلاش دارد به پرسش اصلی پژوهش پاسخ دهد که چرا اعتراضات اجتماعی در ایران پس از نیمه دوم دهه ۱۳۹۰، به‌شکلی فزاینده رادیکال شده‌اند؟ پاسخ به این پرسش می‌تواند به درکی عمیق‌تر از پویایی‌های اجتماعی و سیاسی ایران و ارائه راهکارهایی مؤثر برای مدیریت و هدایت این تحولات کمک کند.

۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی به تحلیل اعتراضات اجتماعی در ایران پرداخته‌اند. قربانی (۱۴۰۳) رشد پتانسیل‌های اعتراضی را ناشی از شکل‌گیری جنبش نوین اجتماعی با ماهیت فرهنگی و متأثر از عواملی چون شکاف‌های اجتماعی، ماهیت ابزارگونه دولت، جهانی‌شدن، رشد طبقه متوسط شهری، احساس محرومیت نسبی و گسیختگی مناسبات نخبگان سیاسی می‌داند. سردارنیا و البرزی (۱۴۰۲) و حسین‌پور و رشیدی (۱۴۰۰) بر نقش شبکه‌های اجتماعی در اعتراضات تأکید دارند و عواملی همچون افزایش کنشگری سیاسی، تسریع اعتراضات، اشغال فضای شهری، گسترش ویروسی تجمعات، رهبری افقی و خودجوش بودن تجمعات را از جمله تأثیرات شبکه‌های اجتماعی می‌دانند. مصلی‌نژاد (۱۴۰۰) نقش ساخت دولت و سیاست‌گذاری اقتصادی- اجتماعی در شکل‌گیری بحران‌های سیاسی- اجتماعی را بررسی کرده و بر نقش دولت رانیر، نظام دسترسی محدود و مناسبات معطوف به توزیع رانت تأکید دارد. حاجیانی و همکاران (۱۳۹۷) نیز عوامل شکل‌گیری اعتراضات اجتماعی در ۱۳۹۶ را بررسی کرده‌اند.

۲. نوآوری پژوهش

پژوهش حاضر از چند منظر دارای نوآوری است. نخست تمرکز ویژه بر رادیکالیسم به عنوان ویژگی کلیدی اعتراضات اخیر در ایران؛ دوم این پژوهش برای نخستین بار اعتراضات اجتماعی سال‌های ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ را در یک روند پیوسته و در قالب یک الگوی نظری واحد تحلیل می‌کند؛ درحالی که مطالعات پیشین اغلب این اعتراضات را به صورت مجزا و محدود به یک مقطع زمانی بررسی کرده‌اند؛ سوم استفاده از چارچوب نظری کریگ پارسونز که امکان تحلیل چندبعدی و هم‌زمان عوامل مختلف تأثیرگذار بر رادیکالیسم (ساختاری، نهادی، روان‌شناختی و نگرشی) را فراهم می‌سازد. این چارچوب افزون بر پرهیز از تحلیل‌های تک‌بعدی رایج، بر تعامل و هم‌پوشانی میان عوامل مختلف تأکید دارد و رویکردی جامع را ارائه می‌دهد. درنهایت این پژوهش با ارائه یک تحلیل نظری و داده‌محور، پایه‌ای برای سیاست‌گذاری و مدیریت بهتر اعتراضات اجتماعی در آینده فراهم می‌سازد و به رفع خلأهای پژوهشی موجود در این حوزه کمک می‌رساند.

۳. روش تحقیق

این پژوهش با رویکرد کیفی و بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون^۱ به تحلیل عوامل مؤثر بر رادیکال شدن اعتراضات اجتماعی در ایران می‌پردازد. هدف اصلی، ارائه تفسیری جامع از این پدیده با تمرکز بر عوامل ساختاری در چارچوب نظری کریگ پارسونز است. داده‌های مورد استفاده شامل مقالات علمی-پژوهشی و مصاحبه‌های منتشرشده از صاحب‌نظران (پس از نیمه دوم دهه ۱۳۹۰ و مرتبط با موضوع پژوهش) است.

برای تضمین ارتباط و کیفیت داده‌ها، معیارهای زیر در انتخاب منابع لحاظ شده

1. Thematic Analysis.

است: الف) زمان انتشار (پس از نیمه دوم دهه ۱۳۹۰)؛ ب) موضوع پژوهش (اعتراضات اجتماعی در ایران و عوامل رادیکال‌شدن آن)؛ ج) نوع داده‌ها (تحلیل دقیق و مستند از اعتراضات)؛ د) اعتبار علمی و تخصصی منابع.

تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون براون و کلارک (Braun & Clarke, 2006) انجام شد. در این فرایند، پس از مرور نظام‌مند^۱ ۶۰ مقاله علمی-پژوهشی فارسی و ۵۰ تحلیل از صاحب‌نظران برجسته، ۱۰ مقاله فارسی و ۱۲ تحلیل برگزیده به عنوان نمونه‌نهایی انتخاب شدند. داده‌ها در چند مرحله شامل بررسی اولیه، کدگذاری، دسته‌بندی مضامین، تحلیل در چارچوب نظری پارسونز و رسیدن به اشباع نظری تحلیل شدند.

برای تضمین اعتبار و روایی پژوهش نیز، مضامین استخراج‌شده را استادان علوم سیاسی تأیید کردند و سپس با ادبیات پژوهش مقایسه شدند؛ همچنین از تنوع منابع داده‌ها برای اطمینان از جامعیت تحلیل بهره گرفته شد.

۴. چارچوب نظری

برای تحلیل پدیده رادیکال‌شدن اعتراضات اجتماعی در ایران، پژوهش حاضر از چارچوب نظری کریگ پارسونز استفاده می‌کند. این چارچوب که در کتاب نحوه اقامه دلیل در علوم سیاسی^۲ ارائه شده، مدلی چندوجهی برای تبیین پدیده‌های پیچیده اجتماعی و سیاسی است. پارسونز معتقد است برای درک کامل یک پدیده در علوم اجتماعی، باید هم‌زمان به چهار دسته عوامل (ساختاری، نهادی، نگرشی و روان‌شناختی) توجه شود. (Parsons, 2017, pp. 3-5) این مدل تبیینی از این نظر اهمیت دارد که در علوم اجتماعی، به دلیل پیچیدگی رفتار انسانی و تأثیر متغیرهای متعدد، رسیدن به تبیین جامع پدیده‌ها دشوار است؛ بر همین اساس ما شاهد کثرت پارادایم‌ها و تنوع روش‌شناسی‌ها در علوم

1. Systematic review.

2. *How to Map Arguments in Political Science.*

انسانی و اجتماعی، بر خلاف وحدت روش‌شناختی علوم طبیعی هستیم. از میان چهار غایت اصلی علم (توصیف، تبیین، پیش‌بینی و مهار)، تبیین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا دستیابی به یک تبیین درست می‌تواند زمینه‌ساز پیش‌بینی و مهار نیز باشد (مردی‌ها، ۱۳۹۵، ص. ۸۰). پارسونز با ارائه این چارچوب در پی تبیین چندوجهی پدیده‌های اجتماعی است و بر اهمیت تعامل عوامل مختلف تأکید دارد (Parsons, 2017, pp. 3-6).

۱-۴. ابعاد چارچوب نظری پارسونز

بر اساس این چارچوب، پدیده‌های اجتماعی را می‌توان از چهار منظر تحلیل کرد:

۱. عوامل ساختاری:^۱ متغیرهای کلان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زمینه‌ساز تحولات اجتماعی (Parsons, 2017, pp. 49-65).
۲. عوامل نهادی:^۲ قواعد، قوانین و نهادهای رسمی به عنوان چارچوب‌هایی برای محدودیت یا تسهیل رفتارهای اجتماعی و سیاسی (Parsons, 2017, pp. 66-93).
۳. عوامل نگرشی:^۳ نقش ایده‌ها، باورها، و ارزش‌های فرهنگی در هدایت رفتارها (Parsons, 2017, pp. 94-132).
۴. عوامل روان‌شناختی:^۴ احساسات، ادراکات، و تجربیات فردی و جمعی به عنوان نیروی محرکه رفتارها (Parsons, 2017, pp. 133-162).

بر اساس چارچوب نظری پارسونز هیچ عاملی به تنهایی نمی‌تواند یک پدیده را توضیح کامل دهد. عوامل ساختاری زمینه‌ساز رفتارهای جمعی، عوامل نهادی تعیین‌کننده محدودیت‌ها و فرصت‌ها، عوامل نگرشی تعیین‌کننده جهان‌بینی و ارزش‌ها، و عوامل روان‌شناختی منعکس‌کننده احساسات و ادراکات فردی و جمعی هستند.

1. Structural.

2. Institutional.

3. Ideational.

4. Psychological.

تبیین رادیکال شدن اعتراضات اجتماعی در ایران بر اساس مدل تبیینی کریگ پارسونز



نمودار ۱. مدل مفهومی پژوهش

چارچوب نظری پارسونز به دلیل برخورداری از ویژگی‌هایی همچون تحلیل چندبعدی و امکان بررسی هم‌زمان متغیرهای سطح خرد (روانشناختی و نگرشی)، سطح میانی یا میانجی (نهادی) و سطح کلان (ساختاری)، برای تحلیل اعتراضات اجتماعی در ایران مناسب است. این مدل تبیین، تحلیلی جامع از اعتراضات اجتماعی ایران ارائه می‌دهد و امکان بررسی هم‌زمان متغیرهای مختلف را فراهم می‌سازد.

۲-۴. کاربرد عملی چارچوب نظری در پژوهش حاضر

در این پژوهش، چارچوب نظری پارسونز به عنوان پایه‌ای برای تحلیل داده‌های کیفی استفاده شده است. مضامین استخراج‌شده از مقالات علمی و مصاحبه‌ها در چهار بُعد ساختاری، نهادی، نگرشی و روانشناختی دسته‌بندی شده و ارتباط آنها بررسی شده است. این رویکرد، تحلیل را از یک سطح توصیفی فراتر برده، پژوهش حاضر را از

تحلیل‌های تک‌بعدی و تقلیل‌گرایانه متمایز می‌سازد و به ارائه یک دیدگاه جامع و منسجم از اعتراضات اجتماعی در ایران کمک می‌کند.

۵. تحلیل مضمون مصاحبه‌ها و مقالات

در این بخش، با استفاده از چارچوب نظری پارسونز، مصاحبه‌ها و مقالات مرتبط تحلیل محتوا شده‌اند. نتایج حاصل در قالب دو جدول ارائه شده و مؤلفه‌های استخراج‌شده در چهار بُعد اصلی چارچوب نظری پارسونز دسته‌بندی شده‌اند. این دسته‌بندی امکان بررسی تعامل عوامل و تحلیل چرایی و چگونگی رادیکال‌شدن اعتراضات اجتماعی در ایران را از منظر ساختاری، نهادی، روان‌شناختی و نگرشی فراهم می‌کند.

جدول شماره (۱). تحلیل محتوای مصاحبه‌ها

ردیف	نام صاحب‌نظر و منبع مصاحبه	مضامین مرتبط با عامل ساختاری	مضامین مرتبط با عامل نهادی	مضامین مرتبط با عامل روان‌شناختی	مضامین عامل اندیشه‌ای
۱	عماد افروغ (خبرگزاری ایرنا، مهر ۱۴۰۱)	تورم، بیکاری، نابرابری و شکاف طبقاتی، انقطاع نسلی	نیاز به اصلاح در سبک حکمرانی، راهبردهای پلیس	خشم انباشته ناشی از نبود عدالت؛ کاهش اعتماد به حکومت؛ واکنش‌های احساسی	نیاز به تغییر قوانین متناسب با تغییرات اجتماعی، مقاومت در برابر تغییر فرهنگی
۲	عباس عبدی، مهر ۱۴۰۱.خ. جمهوری اسلامی	نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، تغییرات نسلی و ارزشی، ساختار سیاسی	نبود رسانه‌های مستقل و سازوکارهای مشارکتی. گشت ارشاد، نبود رسیدگی‌های	ناامیدی ناشی از بی‌احترامی به آزادی‌های فردی؛ بیگانگی جوانان از هنجارهای	مقاومت در برابر سیاست‌ها؛ ردّ ارزش‌های تدریس‌شده در نهادهای رسمی

ردیف	نام صاحب نظر و منبع مصاحبه	مضامین مرتبط با عامل ساختاری	مضامین مرتبط با عامل نهادی	مضامین مرتبط با عامل روان شناختی	مضامین عامل اندیشه ای
		بسته	مستقل قضایی	اجتماعی.	
۳	نعمت الله فاضلی، مهر ۱۴۰۱ خ. جمهوری اسلامی	بحران های محیط زیستی؛ گسترش مهاجرت ها ناشی از تصویر آینده تیره	ناتوانی حکومت در خلق تصویر آینده؛ گسیختگی در حکمرانی و مدیریت فرهنگی.	احساس ناامیدی و بی اعتمادی به نظام؛ افزایش اضطراب و خشم عمومی در جامعه	بحران در روایت رسمی؛ عدم رسمیت بخشیدن به تفاوت ها
۴	یوسف اباذری، مقاله درباره مهسا	همنشینی دین و نولیبرالیسم، بحران معیشت؛ مشکلات اقتصادی، فقر و تبعیض ساختاری.	تناقض نهادهای حکومتی، محدودیت آزادی، فرهنگی کردن مسائل	تراکم خشم، مالیخولیای جمعی	تغییر زیست جهان، تحول ارزش ها
۵	محمد فاضلی	مسائل حل نشده. فشار اقتصادی، تحریم ها و انباشت نارضایتی ها	جامعه بی سازمان، فقدان احزاب و نهادهای مدنی، نبود ابزار برای بیان خواسته	احساس ناامیدی به آینده و فقدان امید به اصلاح؛ کاهش باور به روش های غیر خشونت آمیز.	بی اعتمادی به توانایی حکومت در حل مسائل؛ نبود قواعد تغییر و اصلاح
۶	تقی آزاد ارمکی	نابرابری ها و ناهمواری های ساختاری	فقدان نیروهای واسط، پیری سیستم و ناتوانی در پاسخ گویی به	خستگی جامعه و احساس بی تفاوتی	لزوم پذیرش تغییرات جامعه، پذیرش حجاب اختیاری

ردیف	نام صاحب نظر و منبع مصاحبه	مضامین مرتبط با عامل ساختاری	مضامین مرتبط با عامل نهادی	مضامین مرتبط با عامل روان شناختی	مضامین عامل اندیشه‌ای
			مطالبات		
۷	حمیدرضا جلائی پور، مصاحبه با ماهنامه ایران ماه، سال ۹۸	رشد اقتصادی ناپایدار و نامتوازن؛ گسترش شکاف‌های سیاسی و اقتصادی؛ تأثیر سیاست خارجی و تحریم‌ها بر معیشت.	نبود حکمرانی خوب؛ دوگانگی در مواجهه با اعتراضات؛ نبود اراده سیاسی برای اصلاحات جدی.	احساس محرومیت نسبی و تشدید آن از طریق رسانه‌های موبایلی	تبدیل شدن جامعه جنبشی به جامعه شورشی؛ افزایش کنش‌های سودمحو
۸	یرواند آبراهامیان، در مصاحبه با: یورونیوز	کاهش مشارکت و مشروعیت؛ بحران‌های اقتصادی ناشی از تحریم‌ها، گسست میان گفت‌وگو و حکومت و مردم	نبود سازمان‌دهی اپوزیسیون؛	امید اغراق آمیز به انقلاب در میان معترضان؛ استمرار بی‌اعتمادی به اصلاح طلبان و نظام.	گفتمان متفاوت مردم با نظام؛ باور مردم به حقوق بشر و برابری به جای ولایت فقیه.
۹	آصف بیات، پایگاه خبری آفتاب	انباشت مطالبات مغفول مانده اجتماعی، اقتصادی و سیاسی،	ناکارآمدی نهادهای حکمرانی در پاسخ به مطالبات مردمی غیبت اتحاد نهادی	توانایی جوانان در رادیکال کردن اعتراضات با تکیه بر استطاعت جوانی. امید به تغییر و	تغییر پارادایم ذهنی در جامعه ایرانی و شکل‌گیری گفتمان جدید

ردیف	نام صاحب نظر و منبع مصاحبه	مضامین مرتبط با عامل ساختاری	مضامین مرتبط با عامل نهادی	مضامین مرتبط با عامل روان شناختی	مضامین عامل اندیشه ای
		ساختار مردسالار حاکمیت	میان گروه های معترض و طبقات	گذار، خشم علیه تبعیض و نابرابری	
۱۰	سعید مدنی، انصاف نیوز ۱۳۹۹	بحران اقتصادی، شکاف طبقاتی، نابرابری توسعه و توزیع نامتوازن منابع و خدمات	ضعف جامعه مدنی، نبود شفافیت، مدیریت ناکارآمد و به رسمیت نشناختن حق اعتراض	احساس تبعیض و بی عدالتی، محرومیت نسبی، تراکم خشم و ناامیدی جمعی	شکاف گفتمانی حاکمیت و جامعه، افزایش آگاهی عمومی
۱۱	محمدباقر خرمشاد، خبرگزاری تسنیم، ۱۲ آذر ۱۴۰۱	شکاف های متعدد قومی، مذهبی، جنسیتی، دولت-ملت و طبقاتی، با تأکید بر شکاف سنت و مدرنیته	بحران نمایندگی، نارضایتی سیاسی و عدم بازخورد مناسب خروجی های سیستم	شیبه سازی انقلاب ۵۷ و خشونت و رادیکالیسم، راهبردی برای شکستن هیبت امنیتی ج.ا.ا.	گسترش مدرنیته و سکولاریسم در نسل جدید دهه ۸۰، تحت تأثیر جهانی شدن و رسانه های نوین، پولاریزه شدن جامعه

۶. مقالات بررسی شده

- مقاله «الگوی شکل گیری جنبش های اعتراضی با تأکید بر نقش شبکه های اجتماعی مجازی»؛ این مقاله به بررسی تأثیر شبکه های اجتماعی مجازی در

شکل گیری و تکامل جنبش های اعتراضی در ایران، به ویژه در سال های ۱۳۸۸، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ می پردازد.

- مقاله «تحلیل اعتراضات صنفی- اجتماعی اخیر در ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶) از منظر نظریه سیاست خیابان» به بررسی اعتراضات صنفی و اجتماعی در ایران از دی ماه ۱۳۹۶ به بعد پرداخته و آنها را از نظر ماهیت، تاکتیک ها و شکل با اعتراضات پیشین مقایسه کرده است.

- مقاله «تحلیل چندلایه ای اعتراضات اخیر و چشم اندازهای آینده»؛ این مقاله به تحلیل چندلایه ای اعتراضات اخیر در ایران پرداخته و چشم اندازهای آینده را بررسی می کند.

- مقاله «جنبش های نوین اجتماعی: چارچوبی برای تحلیل پتانسیل های اعتراضی نهفته در ایران»؛ این مقاله پتانسیل های اعتراضی نهفته در ایران را با تأکید بر یک دهه اخیر تحلیل می کند و با استفاده از چارچوب جنبش های نوین اجتماعی آن را بررسی می کند.

- مقاله «تحلیل ناآرامی های پاییز ۱۴۰۱ بر اساس نظریه کنش ارتباطی یورگن هابرماس»؛ این مقاله به بررسی ناآرامی های اجتماعی ایران در پاییز ۱۴۰۱ از منظر نظریه کنش ارتباطی هابرماس می پردازد.

- مقاله «تحلیل امنیتی- اجتماعی ناآرامی های پاییز ۱۴۰۱». این مقاله نیز ناآرامی های پاییز ۱۴۰۱ را بررسی می کند.

- مقاله «تحلیل چشم انداز ناآرامی های ۱۴۰۱»؛ این مقاله به بررسی ناآرامی های پس از درگذشت مهسا امینی و پیش بینی آینده این تحولات می پردازد.

- مقاله «تبیین فرایند و معرفی عوامل وقوع ناآرامی ها در ج.ا.ا.»؛ این مقاله با دیدگاه امنیتی به بررسی اعتراضات اجتماعی در ایران پرداخته است.

- مقاله «تحلیلی بر ریشه های اجتماعی شکل گیری و بروز نارضایتی های اجتماعی در ایران»؛ این مقاله به روش پیمایشی و اسنادی و با مطالعه موردی شهروندان تهرانی، ریشه های نارضایتی اجتماعی را بررسی کرده است.

- مقاله «جامعه پسا اتوریته شرقی: یک رهیافت تئوریک جدید در جامعه‌شناسی سیاسی ایران»؛ این مقاله کوشیده است رهیافتی جدید از مطالعات جامعه‌شناسی سیاسی ایران ارائه دهد.

جدول شماره (۲). تحلیل محتوای مقالات

ردیف	نویسنده	مضامین مرتبط با عوامل ساختاری	مضامین مرتبط با عوامل نهادی	مضامین مرتبط با عوامل روان‌شناختی	مضامین مرتبط با عوامل اندیشه‌ای
۱	هرسیچ و ربیعی‌نیا (۱۴۰۲)	وجود نابرابری‌ها و مشکلات اقتصادی در جامعه، زمینه‌ساز نارضایتی‌ها	کاهش اعتماد به نهادهای رسمی و مدنی، استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای بیان مطالبات و سازمان‌دهی اعتراضات.	نقش شبکه‌های اجتماعی در ایجاد همبستگی، ترغیب به اعتراض و کاهش ترس	افزایش آگاهی سیاسی در نتیجه استفاده از شبکه‌های اجتماعی و تغییر الگوهای ارتباطی
۲	سردارنیا و البرزی، ۱۴۰۱	فقر، نابرابری‌های اقتصادی و مشکلات معیشتی، دلایل اصلی نارضایتی‌ها	بی‌اعتمادی به تشکّل‌های صنفی و مدنی و گرایش به سازماندهی‌های غیررسمی و خودجوش	خودانگیختگی و رهبری‌ناپذیری اعتراضات	نوآوری در مبارزه، تغییر نگرش‌ها و رویکردهای جامعه نسبت به شیوه‌های بیان مطالبات
۳	میرزایی ۱۴۰۱	نقش فشارهای اقتصادی (تورم، بیکاری، فقر) در شکل‌گیری اعتراضات با خصلت طبقاتی و جغرافیایی	بی‌اعتمادی به نهادهای سیاسی، قضایی و مدنی و ضعف سیاست‌گذاری عمومی، از دلایل شدت اعتراضات	احساس تبعیض، خشم ناشی از مقایسه زندگی و ناکامی در تحقق وعده‌ها	تغییر نگرش به آزادی، حقوق شهروندی و عدالت و رشد آگاهی اجتماعی و سیاسی

ردیف	نویسنده	مضامین مرتبط با عوامل ساختاری	مضامین مرتبط با عوامل نهادی	مضامین مرتبط با عوامل روان شناختی	مضامین مرتبط با عوامل اندیشه‌ای
۴	قربانی ۱۴۰۳	تراکم شکاف‌های اجتماعی، طبقاتی و اقتصادی و تأثیرات جهانی شدن (فرهنگی و اقتصادی)	کاهش اعتماد عمومی به نهادهای حکومتی ناشی از ماهیت ابزارگونه دولت و گسیختگی نخبگان سیاسی	افزایش احساس محرومیت نسبی و تأثیر جنگ شناختی بر ذهنیت عمومی	تلاش جنبش نوین اجتماعی ایران برای اعتبارزدایی از معناهای مسلط و ترویج فرهنگ و هویت خود
۵	سلیمانی و ترابی ۱۴۰۲	همخوان نبودن ساختارهای اجتماعی با نیازهای جامعه، نامتوازن بودن ساختارهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و فقدان تعامل دولت و ملت	نبود نهادهای واسطه مؤثر و غیبت فضای گفتگو در میان نهادهای دولتی و مردم، ناکارآمدی نهادهای رسمی، پاسخگو نبودن	خشم و ناکامی ناشی از تحقق نیافتن انتظارات و ناامیدی از گفتگو به دلیل نبود فضای مناسب	تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های عمومی جامعه به سمت شفافیت، عدالت اجتماعی و پاسخ‌گویی
۶	شهرستانی و احتشامی ۱۴۰۱	فشارهای اقتصادی، از جمله توزع و بیکاری و شکاف طبقاتی از عوامل کلیدی شکل‌گیری نارضایتی‌ها	برنامه‌ریزی دشمن، مشکلات داخلی و ضعف نهادهای امنیتی در پیشگیری و مدیریت بحران، کاهش اعتماد عمومی به نهادهای دولتی و امنیتی	احساس محرومیت نسبی، ترس و خشم توأمان	تغییرات فرهنگی و سبک زندگی، مطالبه آزادی‌های فردی، افزایش آگاهی از حقوق شهروندی با شبکه‌های اجتماعی
۷	موسوی ۱۴۰۱	وجود شکاف‌های اقتصادی و اجتماعی در جامعه و افزایش	نهادهای دولتی ناتوان از پاسخ به مطالبات مردمی و ایجاد کانال‌های مؤثر	احساس محرومیت و بی‌عدالتی،	تحولات فرهنگی و تغییر در ارزش‌های

ردیف	نویسنده	مضامین مرتبط با عوامل ساختاری	مضامین مرتبط با عوامل نهادی	مضامین مرتبط با عوامل روان شناختی	مضامین مرتبط با عوامل اندیشه‌ای
		جمعیت جوان و تحصیل کرده با انتظارات و مطالبات جدید	برای بیان اعتراضات، نقش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در سازمان‌دهی اعتراض	ناامیدی از اصلاحات تدریجی	نسل جدید، افزایش آگاهی و مطالبه‌گری
۸	عسگری و حسینی ۱۴۰۰	بی‌ثباتی اقتصادی، توزع، بیکاری، کاهش ارزش پول ملی و گسترش شکاف طبقاتی	نفوذی‌ها، فساد اداری و اقتصادی	انباشت هیجانات منفی و احساس تبعیض	تأثیر کارکرد مخرب فضای مجازی و برنامه‌های دشمن بر نگرش‌ها
۹	مرادی و همکاران ۱۴۰۱	وضعیت آنومیک در ایران به دلیل گذار از همبستگی سنتی به مدرن، نابرابری‌های اقتصادی اجتماعی	ناتوانی نظام از برآوردن توقعات شهروندان و ارضای نیازهای آنها	احساس محرومیت نسبی، سرکوب نیازها	توقعات فزاینده و میل به رفاه و زندگی بهتر، درک نبود تناسب بین توقعات و پاداش‌ها
۱۰	ستاری ۱۴۰۲	وابستگی ساختاری اقتصاد به درآمدهای نفت، بحران‌های طبقاتی، گسترش فناوری دیجیتال به عنوان ابزاری برای تغییر آگاهی طبقاتی، ظهور «طبقه خودآیین	زوال تدریجی مشروعیت نهادهای دولتی، دینی و آموزشی، دیالکتیک اوتوریت و ضد اوتوریت و ناتوانی نهادهای سنتی در حفظ انسجام اجتماعی،	بحران اقتصادی و زوال نهادهای رسمی به ایجاد اضطراب جمعی و احساس بی‌اعتمادی در جامعه انجامیده است.	گسترش فرهنگ نقد و ضدیت با اوتوریت، گرایش به خودگردانی و خوداتکایی، تغییر ارزش‌ها و جای‌گزینی نگرش‌های فردگرایانه بجای ارزش‌های سنتی

۷. نتایج تحلیل داده‌ها و مؤلفه‌های کلیدی در ابعاد چهارگانه

نتایج حاصل از تحلیل‌های صورت گرفته بر اساس مصاحبه‌ها و مقالات، در قالب دو جدول پیشین ارائه شده‌اند. در این بخش، جدول سوم شامل مؤلفه‌های نهایی استخراج شده از تحلیل داده‌ها در چهار بُعد ساختاری، نهادی، روان‌شناختی و نگرشی است. این جدول به طور مختصر و منظم تمام مؤلفه‌های کلیدی استخراج شده از داده‌ها را در ابعاد مختلف دسته‌بندی کرده است و به خواننده این امکان را می‌دهد که تصویری جامع از عوامل مؤثر بر رادیکال‌شدن اعتراضات اجتماعی در ایران به دست آورد. این جدول به عنوان نقشه‌ای کلی از تحلیل عوامل مؤثر بر پدیده رادیکال‌شدن اعتراضات اجتماعی در ایران عمل می‌کند و نشانگر دسته‌بندی مضامین استخراج شده از داده‌ها بر اساس چارچوب نظری پژوهش است. در بخش‌های بعدی با تمرکز بر عوامل ساختاری مؤلفه‌ای ذکر شده به تفصیل بررسی خواهند شد.

جدول: مؤلفه‌های اساسی تأثیرگذار در ابعاد چهارگانه

ردیف	عوامل ساختاری	عوامل نهادی	عوامل نگرشی	عوامل روان‌شناختی
۱	ایران جامعه در حال گذار	ضعف جامعه مدنی و نهادهای واسطه	گسترش فردگرایی	احساس محرومیت نسبی
۲	ساختار اقتصادی	ناکارآمدی نهاد رسانه ملی	گسترش فرهنگ انتقادی	نامیدی از اصلاحات
۳	ساخت دولت رانتیر	تضعیف نهاد دین	تأثیرات جهانی شدن	احساس تبعیض و بی‌عدالتی
۴	بروز نشانه‌هایی از شکاف دولت-ملت	تضعیف کارکردهای نهاد خانواده	تغییرات سبک زندگی	ترومای اجتماعی
۵	تحولات نسلی	دیوان‌سالاری ناکارآمد	تغییرات ارزشی و	فرسودگی روانی

ردیف	عوامل ساختاری	عوامل نهادی	عوامل نگرشی	عوامل روان‌شناختی
			نگرشی	
۶	تراکم شکاف‌های اجتماعی	فرهنگ نهادی ناکارآمد	گسترش شکاف‌های هویتی	بحران بی‌اعتمادی
۷	دگرگونی حوزه عمومی	نهاد قضایی	شکل‌گیری جنبش‌های نوین	بی‌افقی
۸	ساختار سیاسی	نهاد سیاست	بحران هویت	احساس طردشدگی
۹	بحران‌های زیست‌محیطی	تأثیر گذاری نهادهای غیررسمی	نگرش‌ها به مشروعیت دولت	رفتار توده‌ای و جمعی
۱۰	چالش‌های زیرساختی	ضعف نهادهای انتظامی و امنیتی	تأثیرپذیری از الگوهای منطقه‌ای	حادثه واقعیت
۱۱	موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی	زوال نهادهای رسمی آموزش	فرهنگ اعتراض در مذهب شیعه	رادیکالیسم در برابر رادیکالیسم

۸. تحلیل عوامل ساختاری تأثیرگذار بر رادیکال‌شدن اعتراضات اجتماعی

تمرکز اصلی این مقاله بر عوامل ساختاری به عنوان متغیرهای کلان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی قرار دارد. عواملی مانند بحران اقتصادی، تغییرات اجتماعی و تحولات فرهنگی و سیاسی که نقشی بنیادین در شکل‌گیری و رادیکال‌شدن اعتراضات اجتماعی در ایران ایفا کرده‌اند؛ با وجود این در این مقاله عوامل نهادی، روان‌شناختی و نگرشی نیز به منظور تکمیل تصویر کلی از پدیده اعتراضات اجتماعی به‌اختصار بررسی خواهند شد تا مقدمه‌ای برای پژوهش‌ها و مقالات آتی در این زمینه باشد.

۸-۱. ایران جامعه در حال گذار

یکی از صورت‌بندی‌هایی که در تحلیل تحولات جامعه ایرانی در دوره معاصر به کار رفته و در زمینه رادیکال‌شدن اعتراضات هم می‌توان به آن نظر داشت، انگاره گذار جامعه ایرانی است. مفهوم جامعه در حال گذار به جامعه‌ای اشاره دارد که از نظم‌های سنتی گسسته است و در تلاش برای جایگزینی آن با نظم‌های جدید است (نبوی، ۱۳۸۹، ص. ۱۹۳). در این فرایند، جامعه با بحران‌های مختلفی همچون بحران هویت، مشروعیت، نفوذ، مشارکت، توزیع و یکپارچگی مواجه است؛ در این وضعیت تنش‌های حاصل از بحران‌های پیش‌گفته افزایش می‌یابد و جامعه در حال گذار به سوی ناآرامی و منازعه کشیده می‌شود. یکی از عوامل اصلی بی‌ثباتی‌ها در کشورهای در حال گذار اجرای برنامه‌های توسعه و پیامدهای آن است. اجرای برنامه‌های توسعه در این کشورها معمولاً با ظهور شکاف‌های اجتماعی جدید، طبقات جدید اجتماعی - اقتصادی و گسترش فقر و تورم همراه است که به تشدید بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی منجر می‌شوند (مصلی‌نژاد، ۱۴۰۰، ص. ۵۶۸). اعتراضات شورش گونه دهه هفتاد در ایران نمونه بارزی در این زمینه هستند. اندیشمندانی همچون پرواند آبراهامیان، جان فوران، محمود شفیعی و علیرضا ازغندی از ایران به عنوان جامعه‌ای در حال گذار یاد کرده‌اند که در مرحله‌ای از تغییرهای عمیق ساختاری قرار دارد (نبوی، ۱۳۸۹، ص. ۱۹۶).

۸-۲. ساختار اقتصادی

ساختار اقتصادی ایران با وابستگی تاریخی به درآمدهای نفتی و ماهیتی رانتی، همواره زمینه‌ساز مشکلات ساختاری عمیق و تشدید نارضایتی‌های اجتماعی بوده است. این اقتصاد به شدت در برابر نوسانات جهانی قیمت نفت و تحریم‌های بین‌المللی آسیب‌پذیر است و رشد اقتصادی پایدار و متوازن را تجربه نکرده است (حاجی یوسفی، ۱۳۷۷، صص. ۶۵-۱۵؛ رئیس‌دانا، ۱۳۸۴، ص. ۳۳). میانگین رشد اقتصادی نزدیک به صفر در دهه ۱۳۹۰، همراه با تورم مزمن که در برخی سال‌ها از ۴۰ درصد فراتر رفت و نیز افزایش

ضریب جینی، قدرت خرید خانوارها را به‌ویژه در میان طبقات کم‌درآمد و متوسط به‌شدت کاهش داده است (آرانی و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۲۲-۲۵). بحران انباشت سرمایه که ناشی از کاهش درآمدهای نفتی و تحریم‌های بین‌المللی است، نخبگان سیاسی را به اتخاذ سیاست‌هایی چون حذف یارانه‌ها، افزایش مالیات و ایجاد تورم عمدی سوق داده است. این سیاست‌ها فشار اقتصادی بر طبقات پایین و متوسط را افزایش داده، با کاهش اعتماد عمومی به نهادهای سیاسی و مدیریتی، زمینه‌ساز گسترش اعتراضات از مطالبات اقتصادی به اعتراضات سیاسی و اجتماعی شده است (ستاری، ۱۴۰۲، ص. ۱۰). سوءمدیریت منابع و فساد، نظام بانکی ناکارآمد، خصوصی‌سازی ناکارآمد، قوانین دست و پاگیر، بیکاری، استهلاک زیرساخت‌ها، فرار سرمایه و... از دیگر مشکلات ساختاری اقتصاد هستند (همتی و علویان، ۱۴۰۲، ص. ۲۲).

۳-۸. شکاف دولت ملت

شکاف دولت-ملت یکی از قدیمی‌ترین و عمیق‌ترین شکاف‌های تاریخی در ایران است که همواره بر تحولات اجتماعی و سیاسی کشور تأثیرگذار بوده است. این شکاف در دوران پیش از انقلاب اسلامی با ایجاد تمرکز در قدرت، وابستگی حکومت به قدرت‌های خارجی و نادیده گرفتن ارزش‌های اجتماعی، به‌ویژه در سیاست‌های نوسازی اقتصادی و فرهنگی نظام پهلوی ایجاد گردید و درنهایت به انقلاب اسلامی منجر شد که در پی آن، کاهش این شکاف و تقویت پیوند دولت و ملت صورت گرفت (حسن‌پور و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۷۱؛ خواجه‌سروی و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۲۲).

در سال‌های اخیر در اثر مشکلات اقتصادی ناشی از تحریم، تورم و بیکاری، ناکارآمدی سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های غیرشفاف، اعتماد عمومی به دولت کاهش یافته است و از سوی دیگر دگرگونی‌های فرهنگی و هویتی ناشی از جهانی‌شدن و گسترش فناوری‌های ارتباطی، تحولات نسلی، بخش‌هایی از جامعه را به سمت ارزش‌ها و مطالباتی سوق داده است که با ساختارها و سیاست‌های رسمی هماهنگی ندارد. این عوامل که خود را در کاهش مشارکت سیاسی، کاهش اعتماد نهادی، نافرمانی مدنی و

گسترش اعتراضات اجتماعی نمایان ساخته، نشانی از فعال‌شدن مجدد این شکاف تاریخی است (میرتبار، ۱۴۰۱، محمدی خانقاهی و همکاران، ۱۴۰۲، صص. ۱-۳۲)؛ برای مثال در انتخابات اخیر مجلس شورای اسلامی، میزان مشارکت به حدود ۴۰ درصد کاهش یافت و مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری در دو دوره اخیر کمتر از ۵۰ درصد بوده است (میرتبار، ۱۴۰۱)؛ همچنین اعتراضات مداوم و تکرارشونده در سال‌های ۱۳۹۶، ۱۳۹۸، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱، نافرمانی مدنی در مسئله حجاب و بی‌اعتنایی سیاسی در موضوعات دیگر از مصادیق این بحث هستند (مالیر، ۱۴۰۱).

۴-۸. تحولات نسلی و دگرگونی ساختاری حوزه عمومی

تحولات اجتماعی در ایران طی دهه‌های اخیر، به‌ویژه در پی ظهور نسل زد (متولدان دهه‌های ۷۰ و ۸۰ ش.) و دگرگونی‌های گسترده در حوزه عمومی، الگوهای جدیدی از اعتراضات اجتماعی را پدید آورده است. نسل جدید تجربه مستقیمی از انقلاب یا جنگ ندارد و در دورانی از بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و نابرابری‌های ساختاری پرورش یافته است (فراصت‌خواه و محمدی، ۱۴۰۰، ص. ۲۲). این نسل در بستری دیجیتال رشد یافته و نه تنها به دلیل ناکارآمدی نهادها در پاسخ به نیازهای آن نگرش‌های متفاوتی نسبت به ساختارهای رسمی دارد؛ بلکه با ابزارهای نوین ارتباطی، شیوه‌های تازه‌ای از کنشگری را به نمایش گذاشته است. این دگرگونی‌ها در کنار دگرگونی‌های ساختاری در حوزه عمومی، زمینه‌ساز اعتراضاتی شده است که نسبت به گذشته از سازمان‌یافتگی غیرمتمرکز، سرعت انتشار بالا و شدت بیشتری برخوردارند (عبدالکریمی، ۱۴۰۱).

شکاف ارزشی میان نسل جدید و نهادهای رسمی، یکی از مهم‌ترین عواملی است که موجب افزایش تنش‌های اجتماعی و رادیکال‌شدن اعتراضات شده است. نسل زد که در محیطی جهانی شده با دسترسی نامحدود به اطلاعات و آگاهی از معیارهای بین‌المللی رشد کرده است، با ارزش‌هایی مانند آزادی فردی، برابری و مشارکت مستقیم در سرنوشت سیاسی خود هویت می‌یابد. درمقابل نهادهای رسمی که همچنان بر مدل‌های سنتی حکمرانی و مهار اجتماعی متکی هستند، در مدیریت مطالبات این نسل دچار

چالش‌های جدی شده‌اند. ناتوانی در درک تحولات ارزشی و پاسخ‌گویی به نیازهای جدید، به کاهش مشروعیت این نهادها در چشم نسل جدید و افزایش میل به اعتراض منجر شده است.

هم‌زمان با این تحولات نسلی، دگرگونی‌های ساختاری حوزه عمومی نیز به عاملی تعیین‌کننده در تغییر شکل اعتراضات تبدیل شده است. ظهور رسانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی، شکل جدیدی از سازماندهی اجتماعی را پدید آورده است که در آن، الگوهای سلسله‌مراتبی ارتباطات جای خود را به ارتباطات افقی و غیرمتمرکز داده‌اند. سگوهایی مانند تلگرام، اینستاگرام و توییتر، امکان بسیج سریع، اطلاع‌رسانی گسترده و هماهنگی اعتراضات را بدون نیاز به ساختارهای سازمانی رسمی فراهم کرده‌اند (هرسیج و ربیعی‌نیا، ۱۴۰۲، ص. ۳۲؛ کاسلز، ۱۳۹۶، ص. ۵۸). این تحول نه تنها موجب افزایش میزان و گستردگی اعتراضات شده است، بلکه روش‌های سنتی مدیریت بحران را نیز به چالش کشیده است. ادغام شکاف نسلی با تغییرهای حوزه عمومی، یک وضعیت اجتماعی جدید را رقم زده است که در آن، اعتراضات نه تنها به لحاظ کمی افزایش یافته است، بلکه به لحاظ کیفی نیز رادیکال‌تر شده‌اند. مهم‌ترین پیامدهای این هم‌افزایی شامل سرعت و گستردگی بیشتر اعتراضات به واسطه ابزارهای دیجیتال، کاهش وابستگی به رهبری متمرکز و افزایش شدت و تداوم اعتراضات است. انعطاف‌پذیری و پویایی شبکه‌های اجتماعی موجب شده است که راهکارهای مراقبت‌های سنتی کمتر کارآمد باشند و حتی به تقویت موج‌های اعتراضی منجر شوند؛ بنابراین ترکیب تحولات نسلی و دگرگونی ساختاری حوزه عمومی، الگوی جدیدی از اعتراضات اجتماعی را در ایران شکل داده است؛ به این معنا که همبستگی سایبرنتیک و هویت جمعی شکل گرفته در بستر شبکه‌های اجتماعی، همراه با تضاد ارزشی و نگرشی این نسل با نظام‌های رسمی، به گسترش و تشدید اعتراضات دامن زده و نسل زد را به نیروی پیشرو در اعتراضات اجتماعی تبدیل کرده است که با خطرپذیری و جسارت بالا در طرح مطالبات خود، اعتراضات را به حرکتی ساختارشکن و رادیکال‌تر تبدیل کرده است. این وضعیت نیازمند بازاندیشی در سیاست‌های حکمرانی و مدیریت اجتماعی است تا بتوان با درکی

صحیح از تحولات جاری، از تشدید تنش‌های اجتماعی جلوگیری کرد (خرم‌شاد، ۱۴۰۲).

۵-۸. تراکم شکاف‌های اجتماعی

تراکم شکاف‌های اجتماعی یکی از عوامل کلیدی در افزایش تنش‌ها و شکل‌گیری اعتراضات رادیکال در ایران است (پرجمی و درخشان، ۱۴۰۰، ص. ۲). از منظر شکاف‌های اجتماعی، جامعه ایرانی در تاریخ معاصر یک جامعه «تک‌شکافی فعال» است؛ یعنی تنها یک شکاف عمده و فعال وجود دارد که جریان‌های سیاسی پیرامون آن شکل گرفته‌اند. این شکاف، همان شکاف قدیمی «سنت و مدرنیته» است؛ اما از دو دهه گذشته، به تدریج صورت‌بندی شکاف‌های اجتماعی در ایران از حالت تک‌شکافی فعال به «تک‌شکافی متراکم» تغییر یافته است؛ بدین ترتیب که شکاف‌های غیرفعالی مانند جنسیت، قومیت، مذهب و شکاف سنی، به واسطه تغییرات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و همچنین منازعه نخبگان سیاسی، به تدریج فعال شده و بر آن شکاف اصلی (سنت و مدرنیته) بار شده است و به شکل‌گیری شرایطی منجر شده‌اند که به آن «تراکم شکاف‌ها» می‌گویند (بشیری، ۱۳۸۹، ص. ۱۰۶). متراکم شدن شکاف‌ها همبستگی اجتماعی را کاهش داده است و تضادها را در عرصه‌های مختلف تشدید کرده و در نتیجه اعتراضات اجتماعی به سمت رفتارهای رادیکال‌تر کشیده شده‌اند. تأکید بر مطالبات مربوط به زنان، تلاش برای درگیرسازی بیشتر مناطق قومی و اهل سنت‌نشین، مانند کردستان و سیستان و بلوچستان و همچنین نقش‌آفرینی گسترده‌تر جوانان در اعتراض‌های پاییز ۱۴۰۱ به این واقعیت بر می‌گردد.

۶-۸. ساختار سیاسی

مسائل و دغدغه‌های مرتبط با ساختار سیاسی، بیشتر به ناکامی فرایندهای اصلاحی و ناتوانی دولت‌ها در تحقق وعده‌هایشان بر می‌گردد. جریان‌های سیاسی در ایران، چه با شعار آزادی، مردم‌سالاری و تنش‌زدایی در سیاست خارجی سرکار آمده باشند و چه با وعده عدالت اجتماعی، در عمل نتوانسته‌اند وعده‌های خود را تحقق بخشند.

این عامل احساس سرخوردگی عمومی و بی‌اعتمادی عمیقی را درباره توانایی نظام در حل مسائل اساسی جامعه ایجاد کرده است. درواقع ناکامی فرایندهای اصلاحی و انتخاباتی، امید به بهبود اوضاع از طریق سازوکارهای رسمی را کاهش داده و بستر همواری برای گرایش به روش‌های رادیکال تغییرخواهی فراهم آورده است (امینی، ۱۴۰۱). از سوی دیگر عوامل دیگری همچون نبود سازوکارهای شفاف و اجرایی برای سازمان‌دهی اعتراضات مسالمت‌آمیز، تمرکزگرایی در قدرت، و ضعف نهادهای واسطه همچون احزاب و تشکلهای مدنی، موازی‌کاری نهادی و ناکارآمدی سیاست‌گذاری، عملکرد غیرشفاف نهادهایی مانند شورای نگهبان و ابهام‌ها در فرایندهای انتخاباتی به کاهش مشارکت سیاسی و فرسایش سرمایه اجتماعی انجامیده و نظام سیاسی را در مواجهه با مطالبات اجتماعی آسیب‌پذیر کرده و مسیر اعتراضات را به سوی تغییرخواهی رادیکال هدایت کرده است (رجب‌زاده و طالبان، ۱۳۸۶، ص. ۵۳-۹۹).

۷-۸. بحران‌های زیست‌محیطی

بحران‌های زیست‌محیطی در ایران، از جمله کمبود آب، آلودگی هوا، ریزگردها و تخریب منابع طبیعی که از تغییرهای اقلیمی، رشد بی‌رویه شهرنشینی و سوء مدیریت منابع ناشی می‌شود، از مهم‌ترین چالش‌های ساختاری هستند که بر کیفیت زندگی روزمره مردم تأثیر گذارده‌اند و زمینه‌ساز بحران و نارضایتی‌های اجتماعی شده‌اند (حسینی و کدخدایی، ۱۳۹۴، ص. ۲۲). یکی از اساسی‌ترین این بحران‌ها، مسئله تنش آبی است. بنابر گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، بیش از ۳۰۰ شهر ایران با تنش آبی مواجه‌اند. بحران‌های آب و تنش‌های آبی در بسیاری از مناطق کشور، از جمله خوزستان، اصفهان و سیستان و بلوچستان به سطح هشدار رسیده است. گزارش‌ها نشان می‌دهد بیش از ۸۰ درصد از منابع آبی تجدیدپذیر کشور بهره‌برداری شده است (پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، ۱۳۹۵). هم‌زمان آلودگی هوای کلان‌شهرها، مانند تهران و مشهد به دلیل افزایش تردد خودروها و فرسودگی صنایع، به یکی از مرگبارترین معضلات زیست‌محیطی تبدیل

شده است. بنا به تخمین سازمان بهداشت جهانی (۲۰۲۳م). آلودگی هوا سالانه جان بیش از ۳۰ هزار نفر را در ایران می گیرد. افزون بر این، پدیده ریزگردها که به ویژه در مناطق جنوبی و غربی کشور تشدید شده است، معیشت مردم و امنیت زیست محیطی را به شدت مختل کرده است. این بحران ها نه تنها به طور مستقیم بر کیفیت زندگی مردم تأثیر نهاده، بلکه با ایجاد احساس بی عدالتی، تقویت احساس محرومیت نسبی و نابرابری و ناکارآمدی در نظام حکمرانی، به اعتراض های اجتماعی رادیکال به ویژه در مناطق محروم و حاشیه ای دامن زده است.

۸-۸. چالش های زیرساختی

چالش های زیرساختی در دهه های اخیر نقش مهمی در افزایش نارضایتی های اجتماعی داشته اند. در حوزه انرژی، ناترازی میان تولید و مصرف گاز، برق و بنزین، همراه با فرسودگی شبکه ها و نیاز به سرمایه گذاری گسترده^۱ به قطعی های مکرر و کاهش اعتماد به مدیریت کشور منجر شده است. در حمل و نقل، فرسودگی ناوگان عمومی و مشکلات زیرساختی نظیر جاده ها و فرودگاه ها خدمات رسانی مناسب را مختل کرده است؛ همچنین کمبود امکانات بهداشتی، افزایش هزینه های آموزشی و محدودیت دسترسی اقشار کم درآمد به خدمات، نارضایتی عمومی را افزایش داده است. ضعف زیرساخت های اینترنت و ارتباطات، به ویژه در مناطق روستایی، شکاف دیجیتال و محدودیت فرصت های توسعه ای را تشدید کرده است. کمبود مسکن و گسترش حاشیه نشینی نیز فشار اجتماعی و اقتصادی را افزایش داده است. این چالش ها، همراه با نبود چشم انداز روشن برای بهبود اوضاع و مقایسه روزافزون وضعیت ایران با کشورهای منطقه، موجب احساس محرومیت نسبی و بی اعتمادی عمیق به مدیریت کلان شده اند که زمینه ساز گرایش به اعتراض های رادیکال است (روزنامه جهان صنعت، ۱۴۰۲).

۱. اوجی وزیر نفت دولت سیزدهم در مصاحبه ای بیان کرده بود که برای حفظ سطح فعلی تولید نفت و گاز، ایران به سرمایه گذاری حدود ۲۴۰ میلیارد دلار نیاز دارد (روزنامه شرق، شنبه ۱۹ آذر ۱۴۰۱، شماره ۴۴۴۲).

۸-۹. موقعیت ایران در منطقه و نظام بین الملل

ایران به دلیل اتخاذ سیاست خارجی تجدیدنظرطلبانه و تلاش برای تغییر معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی، با چالش‌هایی از سوی قدرت‌های بزرگ حامی نظم بین‌المللی روبرو بوده است. این چالش‌ها به‌ویژه در قالب تحریم‌های گسترده و بی‌سابقه اقتصادی، دسترسی به منابع مالی و فناوری‌های نوین را محدود کرده و رشد اقتصادی را مختل ساخته و کاهش سرمایه‌گذاری، رکود اقتصادی، تورم، کاهش ارزش پول ملی و گسترش فقر و نارضایتی عمومی را در پی داشته است.

جنگ شناختی، عملیات رسانه‌ای با انتشار اطلاعات گمراه‌کننده، برجسته‌سازی مشکلات داخلی، تلاش برای ایجاد و تقویت شکاف دولت-ملت، سوءاستفاده از گروهک‌های تجزیه‌طلب یا تروریستی و ترویج خشونت خیابانی نیز از جمله واقعیت‌های اعتراضات اجتماعی در ایران بوده است. از طرفی بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای نیز عاملی مکمل در افزایش نارضایتی‌های داخلی است. قرارگیری ایران در منطقه‌ای پرتنش و هم‌مرزی با کشورهای بحران‌زده، این کشور را پیوسته با تهدیدهای امنیتی و اقتصادی مواجه ساخته است. درگیری‌های منطقه‌ای و رقابت‌های ژئوپلیتیکی، منابع را به سمت مدیریت بحران‌های خارجی سوق داده و توانایی دولت در پاسخ‌گویی به نیازهای داخلی را کاهش داده است. این امر نیز به کاهش اعتماد عمومی به نهادهای رسمی و ایجاد فضای مناسب برای اعتراضات گسترده‌تر منجر شده است (گل‌خندان و محمدیان، ۱۴۰۲، صص. ۱۵-۲۵). درمجموع ترکیب فشارهای بین‌المللی و بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای، بستری را برای رادیکال‌شدن اعتراضات اجتماعی در ایران فراهم کرده است.

۸-۱۰. عوامل نهادی

در همه جوامع نهادها، نقشی محوری در کاهش تنش‌ها و مدیریت اعتراضات یا تشدید نارضایتی ایفا می‌کنند. در ایران، ضعف تاریخی یا ناکارآمدی نهادهایی مانند جامعه مدنی، رسانه ملی، نهاد خانواده و نهاد دین، همراه با ناکارآمدی نظام دیوان‌سالاری

و نهادهای قضایی و سیاسی، زمینه‌های بی‌اعتمادی عمومی را فراهم آورده و شکاف میان مردم و حکومت را تعمیق بخشیده است و به یقین ظرفیت حل مسالمت‌آمیز تعارضات اجتماعی را نیز کاهش داده است.

ضعف یا فقدان جامعه مدنی پویا و نهادهای واسطه، به عنوان پل ارتباطی میان مردم و حکومت، باعث شده این نهاد نتواند نقش خود را در تسهیل گفتگو، مدیریت تعارضات و کاهش خشونت به‌درستی ایفا نماید. دوم، رسانه ملی به عنوان ابزار مهم شکل‌دهی به افکار عمومی، به دلیل وابستگی به نهادهای رسمی، شفاف‌نبودن و رویکردهای غیرحرفه‌ای، مرجعیت خود را از دست داده و نتوانسته است نقشی مؤثر در بازتاب مطالبات مردم و کاهش تنش‌های اجتماعی داشته باشد. دیوان‌سالاری با ویژگی‌هایی مانند: بزرگ و ناکارآمد، فساد ساختاری، پیچیدگی رویه‌ها و نبود شفافیت، به‌جای تسهیل امور، خود به منبع نارضایتی تبدیل شده است. فرهنگ نهادی نیز با ویژگی‌هایی همچون تمرکز بر حفظ موقعیت و مقاومت در برابر اصلاحات، نقش مؤثری در تشدید شکاف میان مردم و حکومت ایفا کرده است. نهاد سیاست و قوه قضاییه نیز به عنوان دو رکن اصلی در تنظیم روابط قدرت و عدالت اجتماعی کارویژه‌های خود را به‌درستی انجام نداده‌اند. در حوزه نهادهای سنتی مانند دین و خانواده، تغییرهای اجتماعی و فرهنگی موجب زوال کارکردهای انسجام‌بخش این نهادها شده است. سیاسی‌شدن نهاد دین و کاهش اعتماد عمومی به آن، همراه با تضعیف نقش حمایتی و تربیتی خانواده، به گسترش شکاف‌های اجتماعی و نسلی منجر شده است؛ در همین حال شبکه‌های اجتماعی و گروه‌های غیررسمی با پررنگ‌تر شدن نقش خود، به‌جای کاهش تنش‌ها، در بسیاری موارد به تقویت قطب‌بندی اجتماعی و رادیکالیزه‌شدن اعتراضات کمک کرده‌اند.

۸-۱۱. عوامل روان‌شناختی

عوامل روان‌شناختی، احساسات و ادراکاتی هستند که افراد و گروه‌ها در مواجهه با شرایط اجتماعی و سیاسی تجربه می‌کنند. احساساتی مانند محرومیت نسبی، خشم،

نامیدی، بی‌اعتمادی و طردشدگی می‌توانند محرک‌های اولیه اعتراضات باشند و در شرایط خاص به رفتارهای رادیکال منجر شوند. در ایران، عوامل روان‌شناختی نقشی محوری در رادیکال‌شدن اعتراضات داشته‌اند. احساس محرومیت نسبی، ناشی از مقایسه وضعیت زندگی افراد با دیگران یا با جوامع دیگر، یکی از عوامل کلیدی در تحریک نارضایتی‌ها بوده است. در سال‌های اخیر، تشدید شکاف طبقاتی و ناکارآمدی‌های اقتصادی، این احساس را در میان اقشار مختلف، به‌ویژه طبقه متوسط و جوانان افزایش داده است. بی‌اعتمادی به نهادهای دولتی، به‌دلیل ناکارآمدی، تقویت شده و حس طردشدگی و نبود مشارکت اجتماعی نیز به‌ویژه در میان اقشار آسیب‌پذیر جامعه، همچون ساکنان مناطق محروم و گروه‌های حاشیه‌نشین، زمینه‌ساز خشم و اعتراض شده است.

شبکه‌های اجتماعی نیز با فراهم کردن امکان مقایسه مستقیم زندگی در ایران با جوامع دیگر یا برجسته کردن مشکلات و نابرابری‌ها، خشم و نارضایتی عمومی را تشدید کرده‌اند. احساس بی‌افقی، به‌ویژه در میان نسل جوان که آینده‌ای روشن برای خود نمی‌بیند، در کاهش مشارکت سیاسی و افزایش تمایل به رفتارهای اعتراضی رادیکال نقش داشته است. در مجموع عوامل روان‌شناختی در ایران، به‌دلیل ترکیب با مشکلات ساختاری و نهادی، بستری را فراهم آورده‌اند که نارضایتی‌های انباشته‌شده به رفتارهای اعتراضی شدیدتر می‌انجامد.

۸-۱۲. عوامل نگرشی

عوامل نگرشی بر خلاف ساختارها و نهادها، در لایه‌های عمیق‌تر زیست‌جهان جامعه ایرانی ریشه دارند. این عوامل شامل تغییرات در ارزش‌ها، هنجارها و سبک‌های زندگی، موجب دگرگونی‌های گسترده‌ای در نگرش‌ها و مطالبات جامعه شده است. در ایران تغییر زیست‌جهان ناشی از عواملی همچون مدرنیزاسیون، جهانی‌شدن، ظهور فردگرایی، کاهش همبستگی اجتماعی، و گسترش فرهنگ انتقادی، نه تنها شکاف میان نسل‌ها و گروه‌های اجتماعی را تعمیق کرده، بلکه به ایجاد فاصله‌ای آشکار میان ارزش‌های

رسمی و بخش‌هایی از جامعه منجر شده است. این تغییرها باعث شده‌اند اعتراضات اجتماعی افزون بر مطالبات معیشتی، بر خواسته‌های هویتی و ارزشی مانند آزادی‌های فردی، عدالت اجتماعی و پذیرش تنوع فرهنگی نیز تمرکز کنند. در چنین شرایطی، کاهش مشروعیت نهادهای رسمی، عدم پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع جامعه و ناتوانی در پذیرش تنوع‌های فرهنگی و هویتی، به تشدید نارضایتی‌ها و تغییر ماهیت اعتراضات از مطالبات اصلاحی به رادیکال منجر می‌شود. عوامل نگرشی با ایجاد تغییر در اولویت‌ها و ارزش‌های جامعه، می‌توانند به موتور محرکه‌ای برای اعتراض‌ها تبدیل شوند و نقش مهمی در شکل‌دهی به رفتارهای رادیکال جمعی ایفا کنند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با بهره‌گیری از چارچوب نظری کریگ پارسونز، به بررسی عوامل ساختاری مؤثر بر رادیکال‌شدن اعتراضات اجتماعی در ایران پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهند که مجموعه‌ای از متغیرهای ساختاری کلان، نقش مهمی در زمینه‌سازی و تشدید این اعتراضات داشته‌اند. ایران در مقام یک جامعه در حال گذار، تحت تأثیر تغییرهای عمیق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قرار گرفته و با چالش‌های متعددی روبرو شده است.

ساختار اقتصادی وابسته به درآمدهای نفتی و تحریم‌های بین‌المللی، بحران‌های اقتصادی مانند تورم، رکود و نابرابری را تشدید کرده و مشکلات دیگری مانند بحران زیرساخت‌ها و مسائل زیست‌محیطی را به همراه داشته است. این عوامل در کنار تحولات سیاسی، ناکامی فرایندهای اصلاحی، تغییرات نسلی، تحول فناوری و تغییر در ساختار آگاهی، به تراکم شدن شکاف‌های اجتماعی و تعمیق شکاف دولت-ملت منجر شده و زمینه رادیکال‌شدن اعتراضات را فراهم کرده‌اند.

همچنین تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که رادیکال‌شدن اعتراضات اجتماعی در ایران، تحت تأثیر تعامل پیچیده و چندبعدی عوامل ساختاری، نهادی، نگرشی و روان‌شناختی بوده است. عوامل ساختاری در سطح کلان به عنوان زیربنای نارضایتی‌های عمومی،

نقش محوری داشته‌اند. در سطح میانی، ضعف عملکرد نهادهای واسطه مانند جامعه مدنی، احزاب، رسانه‌ها و نظام دیوان‌سالاری، در تشدید تنش‌ها مؤثر بوده است. در سطح خرد نیز، تغییر ارزش‌ها و مطالبات نسل جدید، همراه با احساس محرومیت، ناامیدی و طردشدگی، در تقویت و رادیکالیزه شدن اعتراضات نقش داشته‌اند.

دورنمای آینده اعتراضات اجتماعی در ایران

آینده اعتراضات اجتماعی در ایران به نحوه مواجهه حاکمیت با این پدیده بستگی دارد. دو سناریو قابل تصور است: الف) سناریوی خوش‌بینانه مبتنی بر اصلاحات و پاسخ‌گویی به مطالبات اجتماعی؛ ب) سناریوی بدبینانه مبتنی بر تداوم بحران‌ها و تشدید اعتراضات. انتخاب بین این دو مسیر، به سیاست‌گذاری‌های کلان، ظرفیت‌های حکمرانی و میزان پذیرش تغییرات بستگی دارد.

در مجموع یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که بدون اصلاحات بنیادین و جامع در ساختارهای مختلف جامعه، احتمال تشدید شکاف‌ها و رادیکال‌تر شدن اعتراضات در آینده وجود دارد؛ بر این اساس پیشنهادها و سیاستی زیر برای مدیریت مؤثرتر اعتراضات اجتماعی در ایران ارائه می‌شوند:

۱. اصلاحات ساختاری در حکمرانی: گذار از رویکرد «رفع مسئله» به «حل مسئله» و حرکت به سمت تحولات اساسی در ساختارهای حکمرانی.
۲. تقویت نهادهای مدنی و سیاسی: به رسمیت شناختن حق اعتراض، تقویت نهادهای میانجی، بازبینی قوانین انتخاباتی و افزایش مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها.
۳. کاهش خشونت و افزایش گفتگو: کاهش برخوردهای امنیتی، افزایش گفتگو با معترضان و تشکیل کمیته‌های حقیقت‌یاب مستقل.
۴. افزایش شفافیت و مقابله با فساد: اصلاح نظام رسانه‌ای، کاهش سانسور، توان‌مندسازی جامعه در برابر جنگ شناختی و افزایش استقلال قوه قضاییه.
۵. اصلاحات اقتصادی و اجتماعی: تحوّل در سیاست‌های اقتصادی، کاهش نابرابری، تقویت سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی و ایجاد بسترهای گفتگو میان گروه‌های مختلف

اجتماعی.



فهرست منابع

- امینی، پ. (۱۴۰۱). جامعه‌شناسی یک شورش. مصاحبه با فرهیختگان؛ قابل دسترسی در: yun.ir/q0chp8
- بشیریه، ح. (۱۳۸۹). دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران. تهران: نشر نی.
- پایگاه اطلاع‌رسانی دولت (۱۳۹۵). بیش از ۸۰ درصد منابع آبی تجدیدپذیر را مصرف می‌کنیم / کاهش ۴۰ میلیارد مترمکعبی منابع آب تجدیدپذیر؛ قابل دسترسی در: <https://dolat.ir/detail/286181>
- پرچمی د.؛ درخشان، ف. (۱۴۰۰). بررسی شکاف اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن؛ مورد مطالعه: شهر تهران. جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۲(۸۳)، صص. ۱-۲۶.
- حاجی یوسفی، ا.م. (۱۳۷۷). استقلال نسبی دولت یا جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران. مطالعات راهبردی، ۱۴(۲)، صص. ۶۹-۹۴.
- حاجیانی، ا. و همکاران (۱۳۹۷). اعتراضات و ناآرامی‌های دی‌ماه ۱۳۹۶؛ تحلیل‌ها و برآوردها. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حسن‌پور، آ.؛ حسن‌پور، و.؛ کافی، م. (۱۳۹۸). تحلیل تطبیقی - تاریخی تجربه شکست پروژه نوسازی در ایران دوره پهلوی اول. جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۰(۷۵)، ص. ۷۱.
- حسین‌پور، ر.؛ رشیدی، ا. (۱۴۰۰). اعتراضات دی‌ماه ۹۶ از منظر تئوری جامعه شبکه‌ای. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۳۹(۶۹)، صص. ۱۰۹-۱۳۹.
- حسینی، م.؛ کدخدایی، س. (۱۳۹۴). بحران‌های زیست‌محیطی و پیامدهای سیاسی و اجتماعی آن. در: کنفرانس بین‌المللی توسعه.
- حسینی‌زاده آرانی، س. س.؛ مرادی، ع. و وثوقی، ا.؛ مهتری، م. (۱۴۰۱). تحلیلی بر ریشه‌های شکل‌گیری و بروز نارضایتی اجتماعی. فصلنامه امنیت ملی، ۱۲(۴۳).

خرمشاد، م.ب. (۱۴۰۲). نسل Z چیست و چه خصوصیتی دارد؟ چرا دانشگاه در اعتراضات ۱۴۰۱ رادیکال شد؟ تسنیم. قابل دسترسی در:

B2n.ir/eh1460

خواجه سروی، غ.ر.؛ حسینی، س.ج. (۱۳۹۷). دو گانهٔ اعتراض سیاسی و ثبات سیاسی در ج.ا.ا. دانش سیاسی، ۱۴(۲۸)، صص. ۱۹۹-۲۲۸.

رجب زاده، ا.؛ طالبان، م.ر. (۱۳۸۶). تبیین جامعه‌شناختی بی‌ثباتی سیاسی. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۵(۵۶-۵۷)، صص. ۵۳-۹۹.

رئیس‌دانا، ف. (۱۳۸۴). علل، عوامل و انگیزه‌های اقتصادی - اجتماعی بروز بحران‌ها و تهدیدهای اجتماعی در ایران. پژوهش‌های رفاه اجتماعی، ۴(۱۶)، صص. ۲۲۱-۲۵۰.

ستاری، سجاد (۱۴۰۲). جامعهٔ پسا اوتوریته شرقی، یک رهیافت تئوریک جدید در جامعه‌شناسی سیاسی ایران. فصلنامه دولت‌پژوهی، ۹(۳۵)، صص. ۱-۳۶.

سردارنیا، خ.ا.؛ البرزی، ه. (۱۴۰۲). تحلیل اعتراضات صنفی-اجتماعی اخیر در ایران (۱۳۹۶-۱۴۰۰) از منظر نظریهٔ سیاست خیابان. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۱۱(۴۰)، صص. ۱۴۶-۱۰۴.

سردارنیا، خ.ا.؛ البرزی، ه. (۱۴۰۲). مطالعهٔ میدانی عاملیت چند گانه و شبکه‌ای شده در اعتراض‌های اجتماعی در ایران از ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰. مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۶(۲)، صص. ۴۴۷-۴۸۱.

سلیمانی، م.م.؛ ترابی، م. (۱۴۰۲). تحلیل ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱ جمهوری اسلامی ایران بر اساس نظریهٔ کنش ارتباطی یورگن هابرماس. پژوهش ملل، شماره ۸۷.

عبدالکریمی، ب. (۱۴۰۱). دموکراسی برای نسل زد. یورونیوز فارسی. قابل دسترسی در:

B2n.ir/qs4590

عسگری، م.؛ حسینی، س.ج. (۱۴۰۰). تبیین فرایند و معرفی عوامل وقوع ناآرامی‌های اجتماعی در ج.ا.ایران. ۱۹(۷۴)، صص. ۱۴۵-۱۷۸.

فراست‌خواه، م.؛ محمدی، ز. (۱۴۰۰). تحولات بین‌نسلی در زندگی دانشگاهی ایران. (چاپ اول). تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

قربانی، م. (۱۴۰). جنبش‌های نوین اجتماعی: چارچوبی برای تحلیل پتانسیل‌های اعتراضی نهفته در ایران با تأکید بر یک دهه اخیر. پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۱۴(۵۱)، صص. ۱-۱۷.

کاستلز، ا. (۱۳۹۶). شبکه‌های خشم و امید: جنبش‌های اجتماعی در عصر اینترنت. م. قلی‌پور (مترجم). تهران: نشر مرکز.

گل‌خندان، ا.؛ محمدیان، ص. (۱۴۰۲). تأثیر شاخص‌های بی‌ثباتی سیاسی بر رشد اقتصادی کشورهای منطقه بین‌النهرین. مطالعات سیاسی بین‌النهرین، ۲(۳)، صص. ۳۴۱-۳۷۳.
مالمیر، م. (۱۴۰۱). آسیب‌شناسی شکاف دولت - ملت. مرکز پژوهشی مینا. قابل دسترسی در:

<https://mabnarc.ir/index.php/item>

محمدی خانقاهی، م.؛ کشاورز شکری، ع.؛ غفاری هشتجین، ز. (۱۴۰۲). تحلیل لایه‌های علی نارضایتی اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۱۲(۴۶)، صص. ۴۷-۸۴.

مرادی و همکاران. (۱۴۰۱). تحلیلی بر ریشه‌های اجتماعی شکل‌گیری و بروز نارضایتی‌های اجتماعی در ایران، (مورد مطالعه: شهروندان تهرانی). فصلنامه امنیت ملی، ۱۲(۴۳)، صص. ۲۲۷-۲۶۰.

مردیها، م. (۱۳۹۵). معنا و مبنای تبیین در علوم اجتماعی، مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۸(۳۲).

مصلی‌نژاد، ع. (۱۴۰۰). دولت، توسعه بحران‌های اجتماعی. سیاست، ۵۱(۲)، صص. ۵۵۵-۵۸۷.
مفخمی شهرستانی، ح.؛ احتشامی، ع. (۱۴۰۱). تحلیل امنیتی-اجتماعی ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱. انتظام اجتماعی، شماره ۴۴، صص. ۲-۲۷.

مهدی‌زاده، ح. (۱۴۰۱). جامعه شبکه‌ای و شورش‌های اجتماعی در ایران. قابل دسترسی در:

B2n.ir/fu8968

میرتبار، س.م. (۱۴۰۱). شکاف دولت و ملت با تأکید بر فرهنگ حکومت‌ستیزی. جامعه اندیشکده‌ها. قابل دسترسی در:

B2n.ir/px7212/

میرزایی، ع. (۱۴۰۱). تحلیل چندلایه‌ای اعتراضات اخیر و چشم‌اندازهای آینده. پژوهش‌های انقلاب، شماره ۲۳، صص. ۱۸-۴۲.

نبوی س.ع.ا. (۱۳۸۹). جامعه در حال گذار، بازبینی یک مفهوم (ضرورت تحلیل مفهوم دوران گذار با رویکردی میان‌رشته‌ای). مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۳(۱)، صص. ۱۹۳-۲۱۳.

هرسیج، ح؛ ربیعی‌نیا، ب. (۱۴۰۲). الگوی شکل‌گیری جنبش‌های اعتراضی با تأکید بر نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی. جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۴(۹۱)، صص. ۱-۲۲.

همتی، م؛ علویان، م. (۱۴۰۲). پیامدسنجی دولت پریندال در ایران عصر پهلوی دوم. فصلنامه دولت‌پژوهی، ۹(۳۳)، صص. ۱۶۵-۱۹۳.



References

- Abdolkarimi, B. (2022). Democracy for Generation Z. Euronews Persian. Retrieved from B2n.ir/qs4590. [In Persian]
- Amini, P. (2022). *Sociology of a riot. Interview with intellectuals..* Retrieved from yun.ir/q0chp8 [In Persian]
- Asgari, M., & Hosseini, S. H. (1980). Explaining the process and introducing the factors of social unrest occurrence in the I.R. of Iran. *Sociology of Social Developments*, 19(74), pp. 145-178. [In Persian]
- Bashiriyeh, H. (2010). *An introduction to the political sociology of Iran*. Tehran: Ney. [In Persian]
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), pp. 77-101.
- Castells, M. (2016). *Networks of outrage and hope: Social movements in the Internet age* (M. Gholipour, Trans.). Tehran: Markaz. [In Persian]
- Farastkhah, M., & Mohammadi, Z. (2021). *Intergenerational changes in Iranian academic life* (1st ed.). Tehran: Institute for Research and Planning in Higher Education. [In Persian]
- Gol Khandan, A., & Mohammadian, S. (2023). The impact of political instability indicators on the economic growth of the Mesopotamian region countries. *Mesopotamian Political Studies*, 2(3), pp. 341-373. [In Persian]
- Government Information Database. (2015). *More than 80 percent of renewable water resources are consumed / A decrease of 40 billion cubic meters of renewable water resources*. Retrieved from <https://dolat.ir/detail/286181>. [In Persian]
- Haji Yousefi, A. M. (1998). Relative autonomy of the state or civil society in the Islamic Republic of Iran. *Strategic Studies*, 14(2), pp. 69-94. [In Persian]
- Hajiani, A., & et al. (2017). *The Dey 1396 protests and unrest; Analyses and estimations*. Tehran: Strategic Studies Research Institute. [In Persian]

- Harsij, H., & Rabiei Nia, B. (2023). The pattern of the formation of protest movements with emphasis on the role of virtual social networks. *Applied Sociology*, 34(91), pp. 1-22. [In Persian]
- Hasanpour, A., Hasanpour, V., & Kafi, M. (2019). Comparative-historical analysis of the failure experience of the modernization project in Iran during the first Pahlavi era. *Journal of Applied Sociology*, 30(75), p. 71. [In Persian]
- Hemmati, M., & Alavian, M. (2023). Consequence assessment of the rentier state in Iran during the second Pahlavi era. *Government Studies Quarterly*, 9(33), pp. 165-193. [In Persian]
- Hosseini Zadeh Arani, S. S., Moradi, A., Vosoughi, A., & Mahtari, M. (2022). An analysis of the roots of the formation and emergence of social discontent. *National Security Quarterly*, 12(43). [In Persian]
- Hosseini, M., & Kadkhodaei, S. (2014). Environmental crises and their political and social consequences. *Conference on Development*. [In Persian]
- Hosseinpour, R., & Rashidi, A. (2021). The Dey 1396 protests from the perspective of network society theory. *Strategic Policy Research*, 39(69), pp. 109-139. [In Persian]
- Khajeh Sarvi, Gh. R., & Hosseini, S. J. (2017). The duality of political protest and political stability in the I.R.I. *Political Science*, 14(28), pp. 199-228. [In Persian]
- Khorramshad, M. B. (2023). *What is Generation Z and what are its characteristics? Why did the university become radical in the 1401 protests?* Tasnim. Retrieved from B2n.ir/eh1460. [In Persian]
- Mahdizadeh, H. (2022). *Network society and social uprisings in Iran*. Retrieved from B2n.ir/fu8968. [In Persian]
- Malmir, M. (2022). *Pathology of the state-nation gap*. Mabna Research Center. Retrieved from <https://mabnarc.ir/index.php/item>. [In Persian]
- Mardiha, M. (2015). The meaning and basis of explanation in social sciences. *Interdisciplinary Studies in Humanities*, 8(32). [In Persian]

- Mir Tabar, S. M. (2022). *The state-nation gap with emphasis on the culture of anti-government sentiment*. Think Tanks Community. Retrieved from B2n.ir/px7212. [In Persian]
- Mirzaei, A. (2022). Multi-layered analysis of recent protests and future prospects. *Revolution Research*, 23, pp. 18-42. [In Persian]
- Mofakhkhami Shahrestani, H., & Ehteshami, A. (2022). Socio-security analysis of the fall 2022 unrest. *Social Order*, 44, pp. 2-27. [In Persian]
- Mohammadi Khanaqahi, M., Keshavarz Shokri, A., & Ghaffari Hashtjin, Z. (1402 AH). Analysis of the causal layers of social dissatisfaction in the Islamic Republic of Iran. *Strategic Policy Research*, 12(46), pp. 47-84. [In Persian]
- Moradi, A., & et al. (2022). An analysis of the social roots of the formation and emergence of social discontent in Iran (Case study: Tehran citizens). *National Security Quarterly*, 12(43), pp. 227-260. [In Persian]
- Mosallanezhad, A. (2021). State, the development of social crises. *Politics*, 51(2), pp. 555-587. [In Persian]
- Nabavi, S. A. (2010). Society in transition, a review of a concept (The necessity of analyzing the concept of the transition period with an interdisciplinary approach). *Interdisciplinary Studies in Humanities*, 3(1), pp. 193-213. [In Persian]
- Parchami, D., & Derakhshan, F. (2021). Investigating social gap and its effective factors; A case study of Tehran city. *Journal of Applied Sociology*, 32(83), pp. 1-26. [In Persian]
- Parsons, C. (2017). *How to map arguments in political science*. Oxford University Press.
- Qorbani, M. (2021). New social movements: A framework for analyzing the latent protest potentials in Iran with an emphasis on the last decade. *Islamic Revolution Research*, 14(51), pp. 1-17. [In Persian]
- Raeisdana, F. (2005). Causes, factors and socio-economic motivations for the emergence of crises and social threats in Iran. *Social Welfare Research*,

4(16), pp. 221-250. [In Persian]

Rajabzadeh, A., & Taleban, M. R. (2007). Sociological explanation of political instability. *Faculty of Literature and Humanities*, 15(56-57), pp. 53-99. [In Persian]

Sardarnia, Kh. A., & Alborzi, H. (2023). A field study of multiple and networked agency in social protests in Iran from 2017 to 2021. *International Political Economy Studies*, 6(2), pp. 447-481. [In Persian]

Sardarnia, Kh. A., & Alborzi, H. (2023). Analysis of recent class-social protests in Iran (2017-2021) from the perspective of street politics theory. *Strategic Policy Research*, 11(40), pp. 104-146. [In Persian]

Sattari, S. (2023). Post-Oriental authoritarian society, a new theoretical approach in Iranian political sociology. *Government Studies Quarterly*, 9(35), pp. 1-36. [In Persian]

Soleimani, M. M., & Torabi, M. (2023). Analysis of the fall 2022 unrest in the Islamic Republic of Iran based on Jürgen Habermas' theory of communicative action. *Melal Research*, 87. [In Persian]

